

## وظیفه مُحرم در زمان سیر هنگام وزش باد

مهدی ساجدی

نویسنده مسئول، دانشیار، گروه حقوق اسلامی، دانشکده حقوق دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران.

ایران. رایانامه: [m-sajedi@uijas.ac.ir](mailto:m-sajedi@uijas.ac.ir)

### چکیده

یکی از تروک احرام استظلال یا قرار گرفتن در سایه هنگام حرکت است. در ارتباط با حکم استظلال در بین فقیهان امامیه اختلاف نظر است، اما مشهور فقها قائل به حرمت‌اند. در بین قائلان به حرمت، بسیاری معتقدند حرمت استظلال به تحفظ از آفتاب و باران اختصاص دارد. اما برخی نیز معتقد شده‌اند محرم نباید از هیچ پدیده جوی اعم از تابش آفتاب یا بارش باران یا طوفان و گرما و سرما خود را بیوشاند. این دسته از فقها برای اثبات مدعایشان به رأی علمای لغت و الغای خصوصیت از دو مصداق بیان شده در روایات استناد کرده‌اند. اما تأمل در عبارات لغویان حاکی از عدم امکان موافقت با این نظریه است و نیز استدلال‌های بیان شده از جانب آنان قادر به اثبات امکان الغای خصوصیت نیست. از این رو به نظر می‌رسد قول مشهور که استظلال را به تابش آفتاب و بارش باران اختصاص داده‌اند قابل اتکا باشد.

**کلیدواژه‌ها:** استظلال، وزش باد شدید، محرمات احرام، سیر، منزل.

### مقدمه

مکلف با شروع اعمال حج و قرار گرفتن در احرام، از انجام برخی امور باید پرهیز نماید. این امور که تروک احرام یا محرمات احرام نامیده می‌شود در برخی موارد میان مردان و زنان حج گزار مشترک است، اما پرهیز از برخی از محرمات احرام مختص مردان حج و عمره گزار است. یکی از این محرمات که به مردان اختصاص دارد، پرهیز از استظلال یا قرار گرفتن در سایه هنگام حرکت است. بر اساس روایات فراوانی که در این باره از اهل بیت علیهم السلام رسیده مردان حج گزار نباید در هنگام سیر روزانه از سایه بهره برند.

همچنین مطابق با برخی از روایات، چنانچه هنگام حرکت مردان مُحرم خواه در شب یا روز، بارندگی اتفاق افتد اگر بخواهند همچنان به حرکت خود در زمان بارش باران ادامه دهند نباید از پوشش بالای سر که مانع بارش است استفاده کنند، مگر اینکه در این هنگام دست از حرکت کشیده و تا توقف بارش باران از حرکت کردن و طی مسیر خودداری نمایند. برخی از فقیهان امامیه بر این اساس معتقد شده‌اند که پرهیز از پوشش بالای سر هنگام حرکت مردان مُحرم به زمان تابش آفتاب یا بارش باران اختصاص ندارد و چنانچه هوا نامساعد بوده و وزش باد نیز شدید باشد مردان مُحرم نباید خود را از وزش باد شدید در هنگام حرکت در حفاظ و پوشش قرار داده و زیر سقف باشند. برخی دیگر حتی معتقد شده‌اند محرم باید از وزش بادی که در اثر حرکت وسیله نقلیه تولید می‌شود پرهیز نماید.

در مورد پیشینه تحقیق نیز لازم به ذکر است مقاله ای در این خصوص یافت نشد. با توجه به آنچه بیان شد لازم است با تتبع در کلمات فقها به نقد و بررسی این نظر و مستندات آن پردازیم و قبل از آن مناسب است اقوال فقها در باب استظلال را مورد واکاوی قرار دهیم.

## ۱. اقوال فقها

در ارتباط با حکم استفاده مرد مُحرم از سایه، دو نظریه به منصف ظهور رسیده است:

الف. نظریه مشهور فقیهان امامیه که معتقدند برای مرد مُحرم در حال سیر قرار دادن سایه بر خود جز در ضرورت جایز نیست، اما می تواند از سایه خیمه، ساختمان، دیوار و مانند آن بهره برد. (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۱، ص ۳۲۲؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۵۴۷؛ شهید اول، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۳۷۸؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶، ص ۳۲۱؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ ق، ج ۷، ص ۳۶۳ و ۳۶۴؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۵، ص ۳۹۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۵، ص ۴۷۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ ق، ج ۶، ص ۳۰۳؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۳ ق، ج ۲، ص ۱۵۵؛ یزدی، ۱۴۲۸ ق، ج ۲، ص ۴۲۰؛ خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۷؛ صافی، ۱۴۲۳ ق، ج ۳، ص ۲۸۳).

این حکم همان گونه که بیان شد در بین فقهای امامیه مشهور بوده و حتی برخی در مورد آن ادعای اجماع نموده اند. (علامه حلی ۱۴۱۲ ق، ج ۱۲، ص ۷۸؛ نراقی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۲، ص ۲۵) نظر فقیهان معاصر نیز بر عدم جواز استظلال نسبت به مُحرم استواری یافته است. (مظاهری، ۱۳۹۷ ش، ص ۱۸۴)

از بین کسانی که قائل به این نظریه هستند معدود فقیهانی را می توان در عصر حاضر یافت که معتقدند عدم جواز استظلال در زمان سیر به تابش آفتاب اختصاص ندارد و در شب هنگام یا در زمان ورزش باد شدید نیز نباید مکلف در زیر سقف و سایبان باشد. (خوئی، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۱۷ و ۱۴۱۰ ق، ج ۴، ص ۲۴۱؛ تبریزی، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۱۵ و ۱۴۲۳ ق، ج ۲، ص ۳۳۱؛ سبحانی، ۱۴۲۸ ق، ص ۶۶؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۵ ق، ج ۲، ص ۳۸؛ فیاض، بی تا، ص ۲۶۱)

ب. نظریه برخی از فقها که معتقدند استفاده مرد مُحرم از سایه، در حال حرکت مکروه است. (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق، ص ۸۴؛ نقل کراهت از ابن جنید؛ مدنی کاشانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۳، ص ۱۶۲؛ از عبارات صاحب ذخیره نیز تمایل ایشان به جواز استفاده می شود.<sup>۱</sup> ر. ک. به محقق سبزواری، ۱۲۴۷ ق، ج ۲، ص ۵۹۸)

## ۲. مستند اقوال

مستند فقیهانی که معتقدند استظلال به تابش آفتاب اختصاص ندارد روایات ذیل است:

### ۱.۲. روایت صحیح ابن بزيع از امام رضا علیه السلام:

۱. «و يمكن الجمع بين الأخبار بوجهين أحدهما حمل أخبار المنع على الأفضلية و يؤيده أن النهي و ما في معناه غير واضح الدلالة على التحريم في أخبار أهل البيت عليه السلام كما ذكرناه كثيراً...»

به امام رضا علیه السلام نامه نوشته و سؤال کردم: آیا مُحَرَّم می‌تواند زیر سایه محمل حرکت کند؟ حضرت نوشتند: «بله» و مردی از ایشان در مورد سایه برای مُحَرَّم به دلیل اذیت باران یا آفتاب سؤال کرد و من می‌شنیدم، پس حضرت به او امر نمودند گوسفندی را به عنوان کفاره در منا ذبح کند.<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۳۵۱)

## ۱.۱.۲. بررسی سند

روایت فوق را جناب کلینی از احمد بن ادریس قمی از علی بن ابراهیم بن هاشم از علی بن موسی الکمیدانی از محمد بن یحیی عطار از داود بن کوره قمی و وی از احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی و ایشان از عثمان بن عیسی کلابی نقل نموده است. دو راوی اخیر و نیز جناب احمد بن ادریس، علی بن ابراهیم، محمد بن یحیی و محمد بن عیسی، امامی، از بزرگان حدیث و بی نیاز از توثیق هستند. (خوئی، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۷ و ج ۱۵، ص ۹۶) در مورد علی بن موسی، توثیقی از علمای رجال نقل نشده ولی به قرینه نقل علی بن ابراهیم بن هاشم از وی و نقل این راوی از محمد بن یحیی عطار می‌توان به نقل راوی مزبور اعتماد نمود. در مورد داود بن کوره نیز جرح و تعدیلی ثبت نشده است. اما از این جهت که جناب احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی که از بزرگان روایت و محتاط در نقل حدیث بوده از وی نقل روایت نموده می‌توان به نقل این راوی نیز اعتماد نمود. بر این اساس به نظر می‌رسد روایت مزبور معتبر و قابل استناد است.

## ۲.۱.۲. بررسی دلالت

مستفاد از روایت فوق، امور ذیل است:

۱. استفاده از سایه محمل در هنگام راه رفتن و طی طریق غیر از ایجاد سایه در هنگام سیر است و اولی جایز و دومی غیر جایز است.
۲. ایجاد سایه برای محرم معذور با پرداخت کفاره جایز است و همین جواز با ادای کفاره، بر حرمت ایجاد سایه برای مُحَرَّم غیر معذور دلالت دارد.
۳. حرمت استظلال برای محرم به ایجاد سایه بر خود برای محفوظ ماندن از تابش آفتاب اختصاص ندارد و شامل ایجاد حفاظ از بارش باران نیز می‌شود.

## ۲.۲. روایت موثق عثمان بن عیسی کلابی از امام کاظم علیه السلام:

به حضرت عرض کردم علی بن شهاب از سرمای شدیدی که به سرش می‌رسد شکوه دارد و می‌خواهد مُحَرَّم شود. فرمودند: «اگر همان گونه که گمان می‌کند باشد باید خود را بپوشاند، اما تو به خاطر کسی که برای او مُحَرَّم شده‌ای خود را در معرض آفتاب قرار بده.»<sup>۳</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲، ص ۵۱۹)

۲. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيعٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ يُجُوزُ لِلْمُحَرَّمِ أَنْ يَمْشِيَ تَحْتَ ظِلِّ الْمَحْمُولِ؟ فَكَتَبَ: «نَعَمْ» قَالَ: وَ سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الظِّلِّ لِلْمُحَرَّمِ مِنْ أَدَى مَطَرٍ أَوْ شَمْسٍ وَ أَنَا أَسْمَعُ فَأَمَرَهُ أَنْ يَغْدِي شَاةً وَ يَذْبَحَهَا يَمْنَى.

۳. وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى الْكَلَابِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ شِهَابٍ - يَشْكُو رَأْسَهُ وَ الْبَرْدُ شَدِيدٌ وَ يَرِيدُ أَنْ يَحْرِمَ؛ فَقَالَ: «إِنْ كَانَ كَمَا زَعَمَ فَلْيُظِلِّلْ وَ أَمَا أَنْتَ فَاصْبِرْ لِمَنْ أَحْرَمْتَ لَهُ».

## ۱.۲.۲. بررسی سند

روایت فوق را جناب شیخ حر عاملی از مرحوم کلینی با سندی که از ایشان در روایت سابق بیان شد از احمد بن محمد بن عیسی از عثمان بن عیسی کلابی نقل کرده است. نظر محققان رجالی در مورد مشایخ مرحوم کلینی در بررسی سند حدیث قبل بیان شد. تنها راوی مورد بحث در این روایت، جناب عثمان بن عیسی است که مطابق با نظر علمای رجال وی از سران واقفیه بوده است. البته پس از مدتی توبه نموده و از عقیده خود بر می گردد. (خوئی، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۱۸ و نجاشی، ۱۴۰۷ ق، ص ۳۰۰) علامه حلی ره در کتاب رجال خود از شیخ طوسی چنین نقل نموده که نظر ایشان در مورد این راوی، توقف در نقل احادیثی است که فقط از وی نقل شده است. (حلی، بی تا، ص ۳۴۴) بر این اساس روایات مورد نقل از وی در زمره روایات موثق قرار می گیرد و در مجموع به نظر می رسد روایت مورد گفتگو از نظر سندی معتبر محسوب می شود.

## ۲.۲.۲. بررسی دلالت

به نظر می رسد در صورتی این روایت می تواند بر حکم مُحَرَّم در استفاده از سایه دلالت داشته باشد که بر پوشاندن سر نیز استظلال صدق کند یا مقصود راوی این بوده باشد که علی بن شهاب از امام علیه السلام درخواست داشته به جهت معذور بودن، در هنگام سیر از پوشش بالای سر در محمل و مانند آن استفاده کند تا سرش از اذیت سرما محفوظ بماند و الا این روایت تخصصاً از محل بحث خارج است.

## ۳.۲. روایت حمیری از حضرت حجه ارواحنا فداه

از حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره محرمی سؤال نمود که از باران با قرار گرفتن زیر قالیچه و مانند آن خود را محفوظ بدارد تا لباس هایش و آنچه در محمل دارد خیس نشود، آیا چنین کاری جایز است؟ حضرت در جواب فرمودند: «اگر در زمانی که در محمل و در مسیر حرکت است چنین کند بر عهده اش قربانی قرار می گیرد.»<sup>۴</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲، ص ۵۲۵)

## ۱.۳.۲. بررسی سند

روایت فوق را جناب شیخ حر عاملی از جناب طبرسی در احتجاج و ایشان از جناب حمیری نقل نموده است. گرچه جناب طبرسی و حمیری از بزرگان امامیه و مورد وثوق هستند، اما روایت با این وجود، به دلیل مرفوعه بودن، از جمله روایات ضعیف به شمار می آید.

## ۲.۳.۲. بررسی دلالت

روایت فوق همانند روایت اول بر حرمت استظلال محرم هنگام سیر و در زمان بارش باران دلالت دارد و از فقره اخیر روایت که بر وجوب قربانی در فرض استظلال در زمان بارش باران دلالت دارد حرمت استظلال مزبور فهمیده می شود، زیرا چنانکه

۴. أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الطَّبْرَسِيُّ فِي الْإِحْتِجَاجِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيِّ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْمُحَرَّمِ يَسْتَظِلُّ مِنَ الْمَطَرِ يَنْطَعُ أَوْ غَيْرَهُ خَذَرًا عَلَى ثِيَابِهِ وَ مَا فِي تَحْمِيلِهِ أَنْ يُنْتَلَّ فَهَلْ يُجْزَى ذَلِكَ؟ الْجَوَابُ: إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فِي الْمَحْمِلِ فِي طَرِيقِهِ فَعَلَيْهِ دَمٌ.

گذشت، وجوب کفاره دال بر حرمت عمل مستلزم ادای کفاره است. البته ممکن است از روایت چنین استفاده شود که مقصود راوی، سؤال از حکم استظلال هنگام بارش باران بوده است. یعنی از آنجا که هوا ابری بوده و تابش آفتاب وجود ندارد تصور کرده که نباید استفاده از سایه بان خصوصاً زمان بارش باران اشکالی داشته باشد و باران در این سؤال خصوصیت ندارد.

#### ۴.۲. روایت صحیح علی بن محمد قاسانی از امام هادی علیه السلام

به حضرت نوشتیم: آیا مُحرم می‌تواند زمانی که خورشید و باران او را آزرده می‌سازد یا در هنگام مریضی بر خودش سایه قرار دهد یا نه؟ اگر سایه قرار دهد آیا بر او کفاره واجب می‌شود یا نه؟ حضرت نوشتند: «بر خودش سایه قرار دهد و خونی به عنوان کفاره بریزد اگر خدا خواهد.»<sup>۵</sup> (جو عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۳، ص ۱۵۴)

##### ۱.۴.۲. بررسی سند

روایت فوق را جناب شیخ جر عاملی از فقیه بزرگوار جناب شیخ طوسی و ایشان از استادش شیخ ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان و حسین بن عبید الله و احمد بن عبدون از احمد بن محمد بن الحسن بن الولید از پدرش و ابو الحسن بن ابی جید از محمد بن الحسن بن الولید از محمد بن حسن بن فروخ صفار و ایشان از علی بن محمد قاسانی نقل نموده است. شیخ طوسی و استاد ایشان جناب شیخ مفید از اجلای فقیهان امامیه هستند. جناب احمد بن محمد بن الحسن بن الولید نیز امامی و ثقه است. محمد بن الحسن بن الولید نیز از بزرگان حدیث بوده و شیخ قمی نام گرفته است (نجاشی، ۱۴۰۷ ق، ص ۳۸۳) جناب صفار نیز از راویان مورد وثوق و عظیم القدر است (نجاشی، ۱۴۰۷ ق، ص ۳۵۴). البته در مورد راوی اخیر یعنی قاسانی، گرچه برخی از رجالین مانند شیخ طوسی گاهی ایشان را ثقه و گاهی ضعیف دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۷۳ ش، ص ۳۸۸) ولی به نظر می‌رسد نتوان در ثقه بودن این راوی تردید نمود و ظاهراً تردید در وثاقتش از این ناشی شده که جناب احمد بن محمد بن عیسی قمی اشعری وی را فردی کم علم و ضعیف الحدیث دانسته است. (خوئی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۹) و همانگونه که پیداست این صفات بر فرض صحت بر وثاقت راوی تأثیری ندارد. علاوه بر این به تصریح علمای رجال، در کتب ایشان چیزی که دال بر این مطلب باشد دیده نمی‌شود (علامه حلی، بی تا، ص ۲۳۲) و جناب نجاشی نیز ایشان را فقیهی که روایات فراوانی را نقل کرده دانسته است. (نجاشی، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۵۵)

##### ۲.۴.۲. بررسی دلالت

از این روایت استفاده می‌شود که محرم نباید در حال اختیار خود را از تابش آفتاب و بارش باران در حفاظ قرار دهد و اگر در فرض معذوریت مانند اذیت شدن از آفتاب و باران که عادتاً قابل تحمل نیست چنین کند از این جهت که مرتکب یکی از محرمات احرام گردیده باید کفاره دهد.

#### ۵.۲. روایت صحیح محمد بن اسماعیل بن بزيع از امام رضا علیه السلام

۵. مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الطُّوسِيُّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّمَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ: الْمُخْرِمُ هَلْ يَطْلُلُ عَلَى نَفْسِهِ إِذَا أَذَتْهُ الشَّمْسُ أَوْ الْمَطَرُ أَوْ كَانَ مَرِيضاً أَمْ لَا؟ فَإِنْ طَلَّلَ هَلْ يَجِبُ عَلَيْهِ الْفِدَاءُ أَمْ لَا؟ فَكَتَبَ: «يَطْلُلُ عَلَى نَفْسِهِ وَ يَهْرِقُ دَمًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ.»

از حضرت در مورد سایه برای محرم جهت حفظ از اذیت بارش باران یا خورشید سؤال کردم فرمودند: «چنین می بینم که گوسفندی را باید به عنوان کفاره بدهد و آن را در منی قربانی نماید.»<sup>۶</sup> (همان)

#### ۱.۵.۲. بررسی سند

روایت فوق را جناب شیخ حر عاملی از فقیه بزرگوار جناب شیخ طوسی و ایشان از جناب شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه از محمد بن الحسن بن الولید از محمد بن الحسن صفار از موسی بن قاسم بجلی و وی از محمد بن اسماعیل بن بزیع نقل کرده است. اعتبار و وثوق روات حدیث در روایات قبل و اعتبار نقل جناب محمد بن اسماعیل بن بزیع در بررسی روایت اول معلوم گردید. همچنین مطابق با تصریح علمای رجال، موسی بن قاسم بجلی از جمله راویان مورد وثوق است. (خوئی، بی تا، ج ۱۹، ص ۷۲) بنابراین روایت از جهت سند معتبر و صحیح است.

#### ۲.۵.۲. بررسی دلالت

این روایت نیز از جهت دلالت مانند روایت قبل است و بر وجوب پرداخت کفاره در فرضی که محرم به دلیل عذر، خود را از تابش آفتاب یا بارش باران می پوشاند دلالت دارد. بر این اساس، حرمت استظلال به تابش آفتاب اختصاص ندارد و شامل تستر از باران نیز می شود.

#### ۶.۲. روایت صحیح ابراهیم بن ابی محمود خراسانی از امام رضا علیه السلام

به حضرت عرض کردم: آیا محرم می تواند هنگامی که از خورشید و باران آزاده می شود بر محملش سایه قرار دهد؟ فرمودند: «بله». گفتم: چه مقدار فدیة دهد؟ فرمودند: «گوسفندی».<sup>۷</sup> (همان، ص ۸۵)

#### ۱.۶.۲. بررسی سند

روایت فوق را جناب شیخ حر عاملی از فقیه بزرگوار جناب شیخ طوسی و ایشان با سلسله سندی که دارد از احمد بن محمد بن عیسی و ایشان نیز از ابراهیم بن ابی محمود خراسانی نقل کرده است. بر اساس نظر علمای رجال، طریق شیخ طوسی در مشیخه به احمد بن محمد بن عیسی صحیح است. (خوئی، بی تا، ج ۳، ص ۸۹) وضعیت جناب احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی نیز از جهت وثاقت معلوم است و راوی اخیر هم مورد توثیق علمای رجال قرار گرفته است. (خوئی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۹)

#### ۲.۶.۲. بررسی دلالت

در این روایت هم استظلال در فرض معذوریت همراه با پرداخت کفاره برای معذور جایز دانسته شده و نیز استفاده می شود که استظلال به پوشاندن خود از خورشید اختصاص ندارد و در زمان بارش باران نیز محرم نباید خود را بپوشاند.

۶. مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الطُّوسِيُّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الظِّلِّ لِلْمُحْرِمِ مِنْ أَدَى مَطَرٍ أَوْ شَيْءٍ؛ فَقَالَ: «أَرَى أَنْ يَفْدِيَهُ بِشَاةٍ وَ يَلْبِسَهَا بِئْسَى.»

۷. مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الطُّوسِيُّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحَدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُحْرِمُ يَظِلُّ عَلَى تَحْيِيلِهِ وَ يَفْدَى إِذَا كَانَتْ الشَّمْسُ وَ الْمَطَرُ يَضْرَآنِ يَدُهُ؟ قَالَ: «نَعَمْ». قُلْتُ: كَمْ الْفِدَاءُ؟ قَالَ: «شَاةٌ».

### ۳. بررسی روایات و مستندات فقها

غیر از روایت سوم، سایر روایات نقل شده دارای اعتبار بوده و می‌توانند مستند حکم شرعی حرمت استظلال قرار گیرند و نیز از آنجا که محتوای روایت سوم در روایت اول هم وجود دارد، می‌توان از ضعف سندش چشم‌پوشی نموده و دلالتش را پذیرفت. بنابراین به نظر می‌رسد باید تمرکز بحث را بر دلالت روایات فوق قرار دهیم، خصوصاً اینکه فقیهانی که معتقدند عدم جواز استظلال برای مردان به تابش آفتاب اختصاص ندارد برای اثبات مدعای خود به آنچه از روایات فوق استفاده می‌شود استناد نموده‌اند.

البته همانگونه که بیان شد به نظر می‌رسد روایت دوم نمی‌تواند یکی از مستندات در مسئله مورد گفتگو باشد. زیرا مطابق با این روایت، سرمای شدید می‌تواند استفاده از سایه است درحالی که در سایه بودن و نبودن، نه تنها تفاوتی در محفوظ ماندن از آسیب سرما ندارد، بلکه مُحرم را نسبت به سرما آسیب‌پذیرتر می‌کند و حتی باید گفت چنین فردی که از سرما متأذی می‌شود باید خود را در معرض تابش آفتاب و حرارت آن قرار دهد، از این رو به نظر می‌رسد باید مقصود سائل این باشد که آیا مُحرمی که از سرما اذیت می‌شود هم باید سر خود را بپوشاند یا نه که در این فرض، موضوع روایت، سؤال از حکم پوشاندن سر در حال احرام است.

اما آنچه از سایر روایاتی که گذشت استفاده می‌شود این است که در دو وضعیت یعنی تابش آفتاب و هنگام بارش باران، مُحرمی که در حال طی طریق است نباید بر خود سایبان یا هر چیزی که مانع تابش آفتاب یا بارش باران است قرار دهد مگر اینکه معذور باشد. اما فقیهانی که استظلال را به تابش آفتاب مختص ندانسته‌اند از این روایات چنین استفاده کرده‌اند که تابش آفتاب یا بارش باران موضوعیت ندارد و مُحرم باید از استظلال و پوشش سر هنگام سیر و همزمان با وقوع هر پدیده جوی مانند باران یا وزش باد یا هنگام گرما یا سرما، پرهیز کند. (به عنوان نمونه: ر.ک. به تریزی، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۱۵)

در وهله اول آنچه مورد استناد این دسته از فقیهان جهت اثبات مدعایشان قرار گرفته، تمسک به معنای لغوی «استظلال» است. در همین ارتباط محقق خوئی ره فرموده:

«تظلیل مورد نهی در روایات به سایه قرار دادن از خورشید اختصاص ندارد و هرگونه حفاظ و تستری که مُحرم برای خود قرار دهد خواه از سرما یا گرما یا باران و یا وزش باد باشد ممنوع است. زیرا از نظر لغوی لفظ «استظلال» از «الظلة» به معنای چیزی که شخص با آن از گرما و سرما پوشانده شده و محفوظ می‌ماند گرفته شده است. بنابراین کلمه «استظلال» در مفهومش استتار از هر چیز خواه خورشید باشد یا نه اخذ شده است. کما اینکه از نظر لغت وقتی گفته می‌شود: «الشمس مستظله» بدین معناست که در بین ابرها پنهان است.» (خوئی، ۱۴۱۰ ق، ج ۴، ص ۲۴۱)

بر این مبنا ایشان در ادامه استدلال خود، ملاک در حرمت تظلیل را پوشش و تحفظ از خورشید و سرما و گرما و باد و امثال آن از اموری دانسته که انسان در حال حرکت از آنها متأذی می‌شود و فرموده:

«اگر نادراً فرض شود که قرار دادن سایبان بالای سر هیچگونه تاثیری ندارد و مانع از امور فوق نیست و بود و نبودش تفاوتی ندارد، استفاده از آن برای مُحرم اشکالی ندارد، چه اینکه در این فرض «استظلال» و «استتار» صادق نیست و همانگونه که

بیان شد صرف وجود سایبان بالای سر ممنوع نیست، بلکه آنچه ممنوع است استتار و تحفظ از خورشید و باد شدید و باران است.» (همان)

فقیهان دیگری نیز یافت می‌شوند که بر اساس استناد به معنای لغوی «استظلال» با محقق خوئی هم نظر شده و استظلال را مختص به تابش آفتاب ندانسته‌اند. ایشان معتقدند برخی از نصوص وارد شده در باب حکم استظلال نیز مؤید این معناست. (طباطبایی قمی، ۱۴۲۵ ق، ج ۲، ص ۳۸)

برخی از فقیهان معاصر نیز معتقدند نهی از استظلال در صورتی به پوشاندن خود از تابش آفتاب در روز اختصاص می‌یابد که در معرض آفتاب قرار گرفتن را هدف غایی از نهی بدانیم در حالی که مانعی ندارد که ملاک و غایت نهی در روایات، در معرض قرار گرفتن نسبت به حوادث جوی مانند باران، سرما، طوفان و مانند آن باشد و در این صورت می‌توان گفت جامع بین غایات، این است که محرم خود را از حوادث جوی در حفاظ قرار نداده و نپوشاند و اگر در برخی روایات تنها سخن از قرار گرفتن در معرض خورشید آمده، از این جهت است که استظلال از تابش آفتاب مورد سؤال بوده است. (سبحانی، ۱۴۲۷ ق، ج ۳، ص ۵۲۰)

#### ۴. نقد و بیان قول مختار

نقد کلمات فقها را از کلام محقق خوئی ره آغاز می‌کنیم. ایشان به طور مسلم و قطعی معنای کلمه «استظلال» را در لغت هرگونه تسر و پوشاندن دانسته و چنین نتیجه گرفته‌اند که محرم نباید از هیچ پدیده جوی خواه تابش آفتاب باشد یا بارش باران یا سرما یا گرما و وزش باد خود را در پوشش قرار دهد.

عقیده ایشان بر این مبنا استواری یافته که واژه «الظل» به معنای مطلق پوشش و تسر است در حالی که مراجعه به کلام اهل لغت، سخن فوق را یاری نمی‌رساند. به عنوان نمونه در کتاب معجم مقاییس اللغة که به ریشه یابی کلمات پرداخته، در مورد ماده «ظل» چنین آمده که این ماده یک ریشه بیشتر ندارد و بر پوشش چیزی نسبت به چیز دیگر دلالت دارد (احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۴۶۱) مثل سایه درخت که فردی را دربرگیرد. همچنین در لسان العرب در مورد واژه «الظِّلَّة» چنین آمده: چیزی که از بالا تو را بپوشاند و دربرگیرد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱، ص ۴۱۷) بنابراین واژه مزبور به معنای مطلق پوشش و تحفظ و تسر نیست و حتی برخی از فقیهان معاصر ادعا کرده‌اند که متبادر از این واژه در قرآن، سیاهی حاصل در جهت مخالف خورشید است و گویا لفظ مزبور از معنای مطلق خود به این معنای خاص انتقال یافته است. (سبحانی، ۱۴۲۷ ق، ج ۳، ص ۵۱۵) از این رو بر اساس معنایی که اهل لغت برای این ماده و ریشه تعریف کرده‌اند، می‌توان گفت مراد از واژه «استظلال»، طلب استفاده محرم از سایه‌ای است که بالای سر قرار دارد تا سایه با افتادن بر محرم او را در برگرفته و بپوشاند. بنابراین نمی‌توان از این واژه در مورد تحفظ از باد و سرما و گرما استفاده نمود. چه اینکه باد و گرما و سرما جهت خاصی ندارد و چه بسا پوشش بالای سر تاثیری در محفوظ ماندن از آن نیز نداشته باشد.

۸. الظاء و اللام أصل واحد، يدل على ستر شيء لشيء، وهو الذي يسقى الظل.

علاوه بر این با قطع نظر از اشکال فوق و با فرض پذیرش دلالت واژه مزبور بر مطلق تستر و پوشش، باز هم نمی‌توان با استناد به معنای لغوی این واژه، وجوب هر نوع تستر را برای محرم ممنوع و حرام دانست. زیرا چه بسا تستر از آفتاب و باران که در روایات آمده موضوعیت داشته باشند و شارع در این زمینه تعبّد خاصی را از مکلفان خواستار باشد، خصوصاً اینکه در برخی روایات باب استظلال وارد شده که استفاده از سایه ثابت مانند خیمه و ساختمان برای محرم جایز و استفاده از سایه متحرک و سایبان در حال حرکت حرام است و دلیل بر این مسئله تعبّد صرف به رأی و نظر شارع بیان شده است.<sup>۹</sup> (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲، ص ۵۲۲) بنابراین به آسانی نمی‌توان از آفتاب و باران، الغای خصوصیت نمود. به همین دلیل برخی از مراجع معاصر احتمال داده‌اند ایجاد مانع از بارش باران به خودی خود موضوعیت داشته باشد، همانگونه که در روایات زیارت سید الشهداء علیه السلام نیز چنین آمده که هر کس در مسیر زیارت بر او باران بیارد از فلان مقدار ثواب بهره مند می‌شود و اگر در برخی روایات در قبال حفظ از باران از کلمه «استظلال» استفاده شده، استعمالی مجازی است و آنچه در واقع ممنوع است منع از بارش باران بر خود است. (گلپایگانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۲۳۷)

همچنین با فرض پذیرش امکان الغای خصوصیت از آفتاب و باران، چنانچه بخواهیم ملاکی از روایات برداشت کنیم که بر اساس آن بتوان در مصادیق استظلال توسعه داد، باید ملاک در حرمت استظلال را تحفظ از هر پدیده جوی که از ناحیه آسمان باشد قرار داد و بر این بنیان گفت بر محرم قرار دادن مانع از آفتاب، باران، برف، تگرگ و مانند آن در هنگام سیر جایز نیست و علی‌ای حال نمی‌توان تحفظ از گرما، سرما و باد و طوفان را بر محرم حرام دانست.

همچنین با قطع نظر از تمامی اشکالات گذشته و بر فرض پذیرش این نظر باید گفت بر اساس روایاتی که گذشت حرمت تحفظ از پدیده‌های جوی، به موارد طبیعی آن اختصاص دارد و تحفظ از باد تولید شده در اثر سرعت وسیله نقلیه دلیل قابل پذیرشی ندارد. از این رو حکم به پرهیز از باد حاصل از حرکت وسیله نقلیه که در پاسخ به سؤال برخی از مقلدین بیان شده مورد تأمل است. (به عنوان نمونه ر. ک. به: خوئی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۲۲۹)

با آنچه بیان شد پاسخ از استدلال اخیر در این مسئله نیز روشن گردید. زیرا چنانکه گذشت نمی‌توان به آسانی از آفتاب و باران الغای خصوصیت نمود و غایت نهی را در معرض قرار گرفتن نسبت به حوادث جوی مانند باران، سرما، طوفان و مانند آن قرار داد چه رسد به اینکه بخواهیم جامعی بین غایات قرار دهیم و با فرض پذیرش الغای خصوصیت باید گفت غایت نهی در روایات، در معرض قرار گرفتن نسبت به هر پدیده جوی است که از جانب آسمان باشد. علاوه بر اینکه اگر چنین غایاتی مد نظر شارع بود باید مانند استظلال از تابش آفتاب در روایات متعدد بیان می‌شد و نیز احکام آن مورد سؤال راویان قرار می‌گرفت در حالی که در هیچ روایتی اثری از آن دیده نمی‌شود. از این رو به نظر می‌رسد نمی‌توان از آفتاب و باران در باب استظلال، الغای خصوصیت نمود و حرمت استظلال را به مصادیق دیگر از پدیده‌های جوی تسری داد.

۹. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُضَلِّ قَالَ: كُنَّا فِي دَهْلِيْزِ عُمَيِّ بْنِ خَالِدٍ بِمَكَّةَ - وَكَانَ هُنَاكَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَبُويُوسُفَ - فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُويُوسُفَ وَ تَرَعَّ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، جُعِلْتُ فِدَاكَ! الْمُحْرِمُ يَطْلُلُ؟ قَالَ: «لَا»؛ قَالَ: فَيَسْتَنْظِلُ بِالْجِدَارِ وَ الْمُخْمِلِ وَ يَدْخُلُ الْبَيْتَ وَ الْحِجَابَ؟ قَالَ: «نَعَمْ»؛ قَالَ: فَضَحِكَ أَبُويُوسُفَ شِبْهَ الْمُسْتَهْزِئِ؛ فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا أَبَايُوسُفَ إِنَّ الدِّينَ لَيْسَ بِقَاسٍ كَقِيَاسِكَ وَ قِيَاسُ أَصْحَابِكَ ...، حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَأُحْرِمَ وَ لَمْ يَطْلُلْ وَ دَخَلَ الْبَيْتَ وَ الْحِجَابَ وَ اسْتَنْظَلَ بِالْمُخْمِلِ وَ الْجِدَارِ فَعَلْنَا كَمَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.» فَسَكَتَ.

## نتیجه گیری

با توجه به مباحثی که گذشت بیان شد برخی از فقها با استناد به روایات معتقد شده‌اند حرمت استظلال برای مُحرم به تابش آفتاب اختصاص ندارد و مُحرم نباید در هنگام سیر از هیچ پدیده جوی خواه آفتاب یا باران یا طوفان یا گرما و سرما تستر و تحفظ داشته باشد. مستند فقها در این حکم، برداشتی است که از معنای لغوی این واژه داشته و آن را به مطلق تستر و تحفظ معنا نموده‌اند. در حالی که بیان شد:

اولاً: این واژه به معنای پوشش چیزی نسبت به چیز دیگر است و به پوشش بالای سر اطلاق می‌شود. بنابراین نمی‌توان از این واژه در مورد تحفظ از باد و سرما و گرما استفاده نمود.

ثانیاً: چه بسا تستر از آفتاب و باران که در روایات آمده موضوعیت داشته باشند و شارع در این زمینه تعبّد خاصی را از مکلفان خواستار باشد.

همچنین با فرض پذیرش امکان الغای خصوصیت از آفتاب و باران، چنانچه بخواهیم ملاکی از روایات برداشت کنیم که بر اساس آن بتوان در مصادیق استظلال توسعه داد، باید ملاک در حرمت استظلال را تحفظ از هر پدیده جوی که از ناحیه آسمان باشد قرار داد و چنین گفت که غایت نهی در روایات، در معرض قرار گرفتن نسبت به هر پدیده جوی است که از جانب آسمان باشد. اما بیان شد اگر چنین غایاتی مد نظر شارع بود باید مانند استظلال از تابش آفتاب در روایات متعدد بیان می‌شد و نیز احکام آن مورد سؤال راویان قرار می‌گرفت در حالی که در هیچ روایتی اثری از آن دیده نمی‌شود. همچنین با قطع نظر از تمامی اشکالات گذشته و بر فرض پذیرش این نظر، باید گفت بر اساس روایاتی که گذشت حرمت تحفظ از پدیده‌های جوی، به موارد طبیعی آن اختصاص دارد و تحفظ از باد تولید شده در اثر سرعت وسیله نقلیه دلیل قابل پذیرشی ندارد. از این رو به نظر می‌رسد نمی‌توان از آفتاب و باران در باب استظلال، الغای خصوصیت نمود و حرمت استظلال را به مصادیق دیگر از پدیده‌های جوی تسری داد.

## منابع

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق هارون، عبد السلام محمد، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۴. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ ق)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۳ ق)، التهذیب فی مناسک العمره و الحج، قم، دار التفسیر.
۶. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۱۵ ق)، مناسک الحج، قم، دار الصدیقة الشهيدة سلام الله علیها.
۷. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۲ ق)، منتهی المطلب، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.

٨. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (١٤١٣ ق)، مختلف الشیعه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
٩. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (بی تا)، خلاصه الاقوال، قم، موسسه نشر الفقاهه.
١٠. خمینی، سید روح اله موسوی (بی تا)، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
١١. خویی، سید أبوالقاسم (١٤١٠ ق)، المعتمد فی شرح المناسک، قم، منشورات دار العلم - لطفی.
١٢. خویی، سید أبوالقاسم (بی تا)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال، بی جا، بی نا.
١٣. خویی، سید أبوالقاسم (١٤١١ ق)، مناسک الحج، قم، چاپخانه مهر.
١٤. خویی، سید أبوالقاسم (١٤١٦ ق)، صراط النجاه (المحشی للخوئی)، قم، مکتب نشر المنتخب.
١٥. سبحانی، جعفر (١٤٢٧ ق)، الحج فی الشریعة الاسلامیه الغراء، قم، انتشارات موسسه امام صادق علیه السلام.
١٦. سبحانی، جعفر (١٤٢٨ ق)، مناسک الحج و احکام العمرة، قم، انتشارات موسسه امام صادق علیه السلام.
١٧. صافی، لطف الله (١٤٢٣ ق)، فقه الحج، چاپ دوم، قم، موسسه حضرت معصومه علیها السلام.
١٨. طباطبائی کربلایی، علی بن محمد علی (١٤١٨ ق)، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، قم، ایران، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
١٩. طباطبائی قمی، سید تقی (١٤٢٥ ق)، مصباح الناسک فی شرح المناسک، قم، انتشارات محلاتی.
٢٠. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (١٣٨٧ ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
٢١. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (١٣٧٣ ش)، رجال الطوسی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
٢٢. عاملی، محمد بن علی موسوی (١٤١١ ق)، مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرایع الاسلام، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
٢٣. عاملی، شیخ حر، محمد بن حسن (١٤٠٩ ق)، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
٢٤. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (١٤١٧ ق)، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
٢٥. فاضل هندی، محمد بن حسن (١٤١٦ ق)، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
٢٦. فیاض کابلی، محمد اسحاق (بی تا)، تعالیک مبسوطه علی العروه الوثقی، قم، انتشارات محلاتی.
٢٧. کاشف الغطاء، احمد بن علی (١٤٢٣ ق)، سفینه النجاه و مشکاة الهدی، نجف، موسسه کاشف الغطاء.

۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۲۹. گلپایگانی، محمد رضا، (۱۴۰۳ ق)، کتاب الحج، چاپ اول، قم، دار القرآن الکریم.
۳۰. محقق سیزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۲۴۷ ق)، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۳۱. مدنی کاشانی، حاج آقا رضا (۱۴۱۱ ق)، براهین الحج للفقهاء و الحجج، چاپ سوم، کاشان، مدرسه علمیه آیه الله مدنی کاشانی.
۳۲. مظاهری، منصور (۱۳۹۷ ش)، مناسک حج مطابق با فتوای امام خمینی و مراجع تقلید، چاپ سیزدهم، قم، نشر مشعر.
۳۳. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۴. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ ق)، رجال النجاشی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۵. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ ق)، مستند الشیعة فی احکام الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۳۶. یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۸ ق)، عروه الوثقی مع تعلیقات فاضل، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام.